کد خبر: ۳۲۵۶۸۷
چهارشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۰ ۱۱:۵۹

آمریکایی ها بزرگ ترین متهم حضور داعش در افغانستان هستند

طالبان خودش را در یک قدمی حکومت می‌بیند و طوری رفتار می‌کند که انگار خودش را الان حاکم افغانستان می‌بیند اما قطعا طالبان برای گرفتن شهرهای بزرگ دردسرهای بسیار زیادی خواهد داشت.

به گزارش سایت خبری پرسون، محسن اسلام‌زاده، کارگردان دو مستند «تنها میان طالبان» و «زندگی میان پرچم‌های جنگی» که در افغانستان و درباره جنگ مردم افغان با طالبان و داعش است پرداخت و نوشت:

آینده ابهامات بسیار زیادی دارد؛ از یک سو طالبان خودش را در یک قدمی حکومت می‌بیند و طوری رفتار می‌کند که انگار خودش را الان حاکم افغانستان می‌بیند اما قطعا طالبان برای گرفتن شهرهای بزرگ دردسرهای بسیار زیادی خواهند داشت. اگر آن‌ها بخواهند در مناطقی که الان تحت تسلط دارند، به مردم فشار بیاورند قطعا مردم در مقابلشان ایستادگی می‌کنند و به این راحتی تسلیم نمی‌شوند و آتش جنگ اگر قرار باشد قربانیان زیادی بگیرد مجامع بین المللی و همسایگان افغانستان ساکت نخواهند بود. دور نیست زمانی که اخباری مبنی بر انحلال طالبان مخابره شد و کشورهای غربی سال‌های زیادی را به بهانه مقابله و یا نابودی طالبان در افغانستان بودند. حال دوباره طالبان از خفا بیرون آمده و بخش‌هایی از کشور افغانستان را در تصرف خود دارد، شاید آینده مبهمی در انتظار افغانستان باشد اما آنچه مسلم است اینکه طالبان چه همه حکومت را بخواهد یا بخشی از قدرت در افغانستان را، تا به این مهم دست پیدا نکند پا پس نخواهد کشید.

شما در فیلم‌هایتان به نوع برخورد طالبان اشاره داشتید به‌ویژه در فیلم آخر «زندگی میان پرچم‌های جنگی»، کمی از تجربه این فیلم‌ها بگویید.

ورود من به افغانستان در سال ۱۳۹۰ بوده، چند مستند ساختم تا سال ۱۳۹۳ که به سراغ طالبان رفتم و فیلم «تنها میان طالبان» را ساختم. «تنها میان طالبان» مستند پرچالشی شد که در سال ۱۳۹۴ رونمایی و در جشنواره‌های داخلی و خارجی خیلی بحث‌برانگیز شد. در اکران‌های متعددی که داشتم یکی از اساتید دانشگاه که افغانستانی بود، به من این انتقاد را وارد کرد که چرا فیلم «تنها میان طالبان» فقط در مناطق تحت تسلط طالبان است و مناطقی را که مخالفان طالبان هستند، فیلمبرداری نکردید. پاسخم مشخص بود؛ من به این دلیل فیلمبرداری نکرده بودم که می‌خواستم از مستند تحلیلی فاصله بگیرم و در نقطه‌ای باشم که دو طرف جنگ حضور دارند، ولی با توجه به فرمی که کار کرده بودم، کار خیلی سختی بود. هر چند این انتقاد را به فیلم وارد می‌دانستم اما واقعا امکانش برای من نبود، من استان هلمند بین طالبان بودم، چطور می‌خواستم بین نیروهای دولتی یعنی در طرف دیگر جنگ، فیلم بگیرم؟

تا اینکه در سال ۹۷ که بحث‌هایی مبنی بر حضور داعش در افغانستان مطرح می‌شد، شمال افغانستان را انتخاب کردم و به آنجا رفتم و سعی کردم که اول به مناطقی بروم که مخالف طالبان بودند. به همین دلیل دومین فیلمم با عنوان «زندگی میان پرچم‌های جنگی» با سکانس‌هایی شروع می‌شود که از مناطقی است که با طالبان می‌جنگند. من در آنجا بین کسانی که با طالبان می‌جنگند، ارتش و نیروهای مردمی حضور پیدا کردم و درباره طالبان با آن‌ها صحبت کردم. حتی بین بچه‌های آن مناطق و در مدارس‌شان حضور پیدا کردم و درباره طالبان و داعش از آن‌ها پرسیدم. در کل در این مستند سعی کردم که جناح‌های مختلف در مستندم حضور داشته باشند.

در مستند «زندگی میان پرچم‌های جنگی» نیم نگاهی به زندگی مردمی داشتم که در مناطقی زندگی می‌کنند که همواره جنگ است و هر روز یک پرچم حاکم آن منطقه است. یک روز پرچم داعش، یک روز پرچم طالبان، یک روز پرچم دولت افغانستان و حتی آمریکایی‌ها و قوای اشغالگر هم در آنجا پرچمی دارند و مشغول جنگ هستند و بزرگ‌ترین قربانی این جنگ مردم هستند. البته در این مستند به دنبال حضور داعش هستم، چون حضور داعش نه تنها اتفاق بسیار بدی برای مردم افغانستان است، بلکه برای کل کشورهای همسایه و حتی منطقه بسیار خطرناک است. سعی کردم به منطقه‌ای به نام درزاب بروم تا در این منطقه بتوانم ببینم بالاخره ماجرا به چه شکل بوده و آیا آنجا واقعا جنگ طالبان و داعش بوده است یا نه؟

یعنی طالبان و داعش با یکدیگر نیز درگیر هستند؟

یکی از مسائلی که وجود دارد و وقتی صحبت می‌کنیم می‌گویند چرا طالبان را تطهیر می‌کنی همین است. طالبان هم از لحاظ تفکر و هم از لحاظ سیاسی با داعش بسیار تفاوت دارد. از لحاظ تفکر طالبان حنفی مذهب با شاخه‌ای به نام حنفی‌های دیوبند هستند ولی داعش تفکرات وهابی و سلفی دارند و با هم به شدت زاویه دارند. از لحاظ سیاسی طالبان به دنبال حکومت در افغانستان است و به همین دلیل سعی دارد خودش را از اتفاقات بین‌المللی که رخ می‌دهد جدا کند ولی داعش تشکیلات منسجمی ندارد و در نقاط مختلف دنیا وارد جنگ‌های چریکی شده‌اند. جغرافیا برای داعش مهم نیست ولی طالبان برایش مهم است که به حکومت در جغرافیای افغانستان برسد. به یاد دارم که در سال ۱۳۹۳ بین طالبان بودم که موصل به دست داعش سقوط کرد. زاویه آن‌ها را با داعش می‌دیدم. دیدم که طالبان خیلی تحت فشار است تا با داعش بیعت کند اما بیعت نکرد، هیچ‌وقت هیچ عضوی از طالبان به جنگ داعش در سوریه و عراق نرفت و هیچ پرچمی از طالبان در آن مناطق وجود نداشت. وقتی داعش می‌خواهد وارد افغانستان شود، بزرگ‌ترین دشمنش طالبان است. طی دیدارهایی که با رهبران طالبان داشتم ملاصدرابراهیم که رئیس کمیسیون داخلی طالبان است و همه جنگ‌های طالبان زیر نظر اوست، ادعا کرد که ما داعش را از جنوب تا غرب و مرکز و شمال شکست دادیم نه دولت افغانستان و کل منطقه باید بابت این اتفاق از ما تشکر کنند.

من در فیلم دوم‌ام با داعشی‌های اروپایی که در افغانستان اسیر طالبان بودند در زندان‌های مخفی آن‌ها مصاحبه گرفتم. آمریکایی‌ها و بخشی از نهادهای امنیتی افغانستان بزرگ‌ترین متهمان حضور داعش در افغانستان هستند. طالبان ادعا می‌کردند که بارها و بارها وقتی عرصه بر داعش تنگ می‌شد، آن‌ها بودند که نجاتشان می‌دادند و بارها و بارها آمریکایی‌ها در حمایت از داعش، طالبان را در استان ننگرهار بمباران کرده است و جالب است وقتی ما به ایران برگشتیم آن زندان مخفی توسط آمریکایی‌ها شناسایی شده است و آن‌ها حمله کرده، طالبان را کشته و داعش را نجات دادند. نکته جالب اینجاست که اگر آمریکایی‌ها و دولت افغانستان با طالبان و داعش همزمان می‌جنگند، چرا آن زندان را بمباران نکردند که هر دو آن‌ها بمیرند. آن منطقه بسیار پرریسک است، چرا آن‌ها آمدند جان کماندوهایشان را به خطر انداختند، طالبان را کشتند و داعش را نجات دادند و با خودشان بردند.

یک مسئله مهم‌تر مسئله ملا عبدالمنان نیازی است که این روزها تصاویرش تحت عنوان یکی از رهبران طالبان در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و ایران را تهدید می‌کند. ملا عبدالمنان نیازی عضو سابق طالبان بوده که از طالبان جدا شده بود و طالبان او را دو ماه پیش می‌کشند. طالبان ادعا می‌کنند که ملا عبدالمنان نیازی همکار امنیت ملی افغانستان است و آن‌ها از او حمایت می‌کردند. این شک و گمان زمانی قوی‌تر می‌شود که وقتی ملا عبدالمنان نیازی توسط طالبان مجروح شد، به بیمارستان دولتی هرات برده شد، در آنجا نتوانستند برایش کاری کنند و برای درمان بیشتر او را به کابل بردند تا در آنجا درمانش کنند که به دلیل شدت جراحات به درک واصل شد. پس از آن در شهر هرات یک تشییع جنازه پرشور برای او برگزار کردند در حالی که هرات تحت سلطه حکومت است و وقتی او را دفن می‌کردند پسرش در همان مراسم گفته بود که من جانشین پدرم هستم و در تمام این ماجرا شما کاملا شاهد سکوت دولت افغانستان هستید. چطور چنین کسی که عضو داعش است و دائم ایران را تهدید می‌کند در بیمارستان دولتی تحت درمان قرار می‌گیرد و بعد نیروهایش می‌آیند و رسما برای او مراسمی در شهر هرات که به ایران نزدیک است، برگزار می‌کنند! این‌ها همه بدبینی‌هایی بوجود می‌آورد که دولت افغانستان و آمریکایی‌ها یا لااقل بخشی از دولت افغانستان دارند به اینها ضریب می‌دهند.

یعنی شما مدعی هستید که دولت افغانستان علیه ایران و با آمریکا همدست است!؟

در این موضوع که اصلا شکی نیست. چه کسی در اوج بی‌پولی آمد و بند کمال خان را روی رودخانه هیرمند زد؟ رودخانه هیرمند باید طبق یک قرارداد، حق آبی مشخصی را به ایران بدهد، زیرا دریاچه هامون ما به وسیله رودخانه هیرمند زنده است. سدی به نام کجکی روی آن بوده و طبق معاهده‌هایی که ایران در دهه‌های گذشته داشته، باید بخشی از آن آب به ایران می‌آمده، اما دولت افغانستان در اوج بی‌پولی از سیاست‌های آبی آمریکایی‌ها حمایت کرد و سد جدیدی را روی رودخانه هیرمند احداث کرد به نام کمال خان، که با وجود این سد، یک قطره آب به ایران نمی‌آید و سیستان در معرض خطر است. سد دیگری روی هریرود در شمال افغانستان احداث کردند که آن هم یک تهدید بزرگ برای خراسان ما است.

زلمی خلیل‌زاد که یک افغان‌الاصل است و تبعه آمریکا و سفیر آمریکا در عراق و افغانستان و سازمان ملل بوده و به نوعی رابط آمریکایی‌ها با منطقه است، در کتاب خاطراتش با عنوان «فرستاده» اشاره می‌کند که آمریکایی‌ها یکسری از افراد را در سن جوانی انتخاب می‌کردند و به آمریکا می‌بردند و آن‌ها را تربیت می‌کردند و در یک برهه‌هایی با خانواده‌های آمریکایی زندگی می‌کردند؛ یکی از این افراد اشرف غنی است. اشرف غنی متاسفانه از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا پیروی می‌کند. به برخورد آمریکایی‌ها با اشرف غنی در زمانی که به آمریکا رفت توجه کنید یا وقتی ترامپ آمد او مثل یک سرباز آمریکایی رفت و پشت سر ترامپ ایستاد. به تهدیدهای آبی و تهدیدهای مرزی که علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده توجه کنید؛ همین ملا عبدالمنان نیازی را چه کسی در مناطق غربی افغانستان که همجوار با مرز جمهوری اسلامی است، مستقر کرده است؟ اینها همه اتهاماتی است که دولت افغانستان باید به آن پاسخ دهد.

فکر می‌کنید با این مسائلی که اخیرا پیش آمده، چه اتفاقاتی برای افغانستان رخ می‌دهد؟

ابتدا باید این نکته را بگویم که نسبت به این اتفاقاتی که رخ می‌دهد همه ما متاسف و متاثریم. مردم این سرزمین خسته هستند و من در مستند «زندگی میان پرچم‌های جنگی» به این اشاره کردم که مردم از جنگ خسته هستند. نزدیک به پنج دهه جنگ! جنگی خانمان‌سوز در مناطق مختلف افغانستان! آینده ابهامات بسیار زیادی دارد؛ ... اگر آن‌ها بخواهند در مناطقی که الان تحت تسلط دارند، به مردم فشار بیاورند قطعا مردم در مقابلشان ایستادگی می‌کنند و به این راحتی تسلیم نمی‌شوند و آتش جنگ اگر قرار باشد قربانیان زیادی بگیرد مجامع بین المللی و همسایگان افغانستان ساکت نخواهند بود.

طالبان تا چه اندازه افراطی هستند؟

در اینکه به هر حال طالبان تفکر طالبانی دارد، شکی نیست اما اینکه این تفکر تا چه حدی است و چقدر در افغانستان مقبولیت دارد، مهم است. شاید برای خیلی از مناطق روستایی و شهرهای کوچک حکومت فعلی افغانستان و طالبان فرق چندانی نداشته باشد ولی ابهام در شهرهای بزرگ مثل مزارشریف، هرات و کابل است که چه اتفاقی می‌افتد، به ویژه در مسائلی مثل ریش گذاشتن و فعالیت زنان و جایگاه قومیت‌ها و مسائلی از این دست. این‌ها سوالات و ابهامات بزرگی است که باید از طالبان پرسید تا مشخص شود چه جوابی برای این موارد دارند.

به نظر شما چه کسی در پشت پرده مسائلی است که به تازگی پیش آمده است؟

دو دهه است که افغانستان در اختیار کامل آمریکایی‌هاست؛ ما اصلا به دنبال دخالت در امور افغانستان نبودیم که هیچ، حتی حداقلی‌ترین حضورمان را هم محدود کرده‌اند. چقدر دیپلمات‌های ما را در این دو دهه محدود کرده‌اند، چقدر به ما اجازه فعالیت دادند، چقدر علیه ما توطئه کردند، چقدر اجازه دادند که شیعیان و فارسی‌زبانان ارتباط‌های موثری با ما داشته باشند، خیلی کم! اما برخی افراد به گونه‌ای برخورد می‌کنند که انگار ایران همیشه هر کاری خواسته در افغانستان انجام داده و در وضع موجود برخی افراد پروپاگاندا می‌کنند که مقصر ایران است. در اینکه ما همیشه بازنده رسانه‌ای بودیم شکی نیست و مقصر هم خودمان و سیاست‌گذارانمان هستند.

از طرفی کل کشور و کل نیروهای نظامی در اختیار آمریکایی‌ها بوده است؛ با این ادعا که ما می‌خواهیم دموکراسی بیاوریم و احقاق حقوق زنان کنیم. در آخرین انتخابات افغانستان رییس جمهور منتخب زیر یک میلیون رای آورده است و این ثابت می‌کند که دموکراسی در افغانستان شکست خورده است. علاوه بر همه اینها چه کسی در افغانستان عروسی‌ها را بمباران کرد و نفرت ایجاد کرد که بیایند سرباز طالبان شوند؟ چه کسی در افغانستان آدم کشت، روی آن آدم ادرار کرد، فیلم گرفت و در اینترنت پخش کرد؟ آیا اینها کسانی به جز آمریکایی‌ها و نیروهای ائتلافشان بوده است؟ چه کسی در افغانستان حکومت را به قدری فاسد کرده که کاری از کار پیش نمی‌رود و زندگی مردم قفل شده است؟ ایران هرگز نخواسته در سیاست‌های کشورهای دیگر دخالت کند و طی این سال‌ها محدودیت‌های بسیار زیادی هم داشته است، ضمن اینکه امنیت ملی ایران در گروی امنیت ملی افغانستان است زیرا ما هزار کیلومتر مرز مشترک با افغانستان داریم. مهاجرین افغان بسیاری در ایران زندگی می‌کنند و اگر آتش جنگ برافروخته شود مهاجرین زیادی از افغاستان به ایران می‌آیند. به نظر من جمهوری اسلامی ایران به دنبال حل مسائل است. این کنفرانسی که در تهران برگزار شد حسن نیت ایران را نشان می‌دهد که می‌خواهد ماجرا ختم به خیر شود اما توان ایران هم حدی دارد.

به نظر شما به عنوان یک فعال سینمایی داخل افغانستان که سال‌های زیادی در آنجا حضور داشتید، آیا امکان‌پذیر است که به طور کامل طالبان را کنار بزنند یا حتما باید لااقل یک بخش‌هایی را به آن‌ها بدهند؟

زاویه من به لحاظ سیاسی و دیدگاه با سازمان مجاهدین انقلاب کاملا مشخص است اما این روزها رفتم یک بیانیه‌ای که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در سال ۸۰ صادر کرده بود، را خواندم. این بیانیه همان اوایلی صادر شد که آمریکایی‌ها آمده بودند و مست شکست طالبان بودند. سازمان مجاهدین انقلاب در آن بیانیه می‌گویند که طالبان قابل حذف از فضای سیاسی افغانستان نیست و باید بخشی از قدرت باشد. ۱۰ سال پیش که من برای اولین بار به افغانستان رفتم فکر می‌کردم که دیگر طالبان وجود ندارد ولی دیدم اینطور نیست و سایه‌اش بر این کشور سنگینی می‌کند، اما در تمام این سال‌ها طالبان را در قدرت سهیم نکردند. در آن زمان طالبان در موضع ضعف بود و می‌شد آن‌ها را به گونه‌ای مسالمت‌آمیز وارد حکومت کرد، اما نه تنها این کار را نکردند بلکه آن‌ها را از صحنه سیاسی افغانستان حتی از صحنه رسانه‌ای دنیا حذف کردند و گفتند دیگر طالبان وجود ندارد، تا زمانی که من مستند «تنها میان طالبان» را ساختم و در آن زمان این موضوع را مطرح کردم که اینها هنوز هستند و اتفاقا جغرافیای بسیار زیادی هم در اختیار دارند و به زودی می‌آیند و همه شما را غافلگیر می‌کنند. به همین دلیل یکی از جوایزی که فیلمم در جشنواره آمریکا گرفت به این دلیل بود که داوران گفتند: طالبان‌در این فیلم بهانه است و در واقع دارد رسانه‌های آمریکایی را زیر سوال می‌برد، چیزی را که ما یک عمر گفتیم نیست، در این فیلم می‌بینیم که هست. همان سال من باز هم اخطار دادم و گفتم جایگاه اینها خیلی مهم است و به زودی پیشروی خواهند کرد. در آن زمان مرا متهم کردند به اینکه تو داری بزرگ‌نمایی می‌کنی و جدی نگرفتند تا اینکه بالاخره آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که با اینها گفتگوهای جدی داشته باشند و حرف‌های بنده حقیر به‌عنوان یک محقق و پژوهشگر مستندساز اثبات شد.

منبع: ایلنا